ادامه تصویربرداری «گاهی به پشت سر نگاه کن» در خانه حامد

اواخر اسفند پایان تصویربرداری

عوامل تولید مجموعه تلویزیونی «گاهی به پشت سر نگاه کن» به کارگردانی مازیار میری، برای ادامه تصویربرداری به لوکیشـن منزل حامد، خانه‌ای واقع در پشت حسینیه ارشاد رفتهاند.

رضا انصاریان، تهیهکننده این ســریال تلویزیونی با اعلام این خبر به صبا، گفت: کماکان تصویربرداری سکانس‌های داخلی این سریال ادامه دارد و سام کبودوند (در نقش حامد) در این خانه، به ایفای نقش میپردازد.

انصاریان اضافه کرد: تا ۳ روز دیگر برای ادامه تصویربرداری به کلانتری زیباشهر میرویم. همچنین تاکنون ۷۵ درصد پیشرفت کاری داشـتیم و با توجه به زمانبندی انجام شده و علیرغم اطلاع رسانی قبلی، تا اواخر اسفند تصویربرداری به پایان میرسـد.وی افزود: محمد رضـا موئینی تدوین ایـن مجموعه تلویزیونـی را آغاز کـرده و همزمان با کار تصویربرداری آن را جلو می برد. اما صداگذار و آهنگسـاز این سریال هنوز مشخص نشـده است. همچنین احتمال دارد یکی از خوانندگان به نام کشورمان، تیتراژ پایانی آن را بخواند.این تهیهکننده درباره قصه «گاهی به پشت سر نگاه کن»، گفت: این سریال یک ملودرام خانوادگی است که با محوریت موضوعی حمایت از تولیدات داخلی و اعتماد به نخبگان جوان ایرانی و توجه ویژه به سبک زندگی ایرانی- اسـلامی تولید میشـود. همچنین هدف ما در این سریال اطلاع رسانی درباره این موضوع است که در شرایط سخت هم می توان سازندگی کرد.

تهیه کننده سریال «گاهی به پشت سر نگاه کن» در پایان در خصوص زمـان پخش مجموعه‌اش عنوان کرد: تاکنون از سوی شبکه دو سیما هیچ زمانی برای پخش اعلام نشده اسـت، ولی با توجه بـه باقی ماندن مراحل فنی سـریال، احتمال دارد از سـال آینده و در مـاه مبارک رمضان روی آنتن برود.

فیلمنامه این سریال به قلم محمود محمد سلطانی و مسعود کرمی نوشته شـده و امین تارخ (در نقش جلال) و محمد متوسلانی (در نقش احتشـام) شخصیت های اصلی آن را بازی می کنند.

هدایت هاشمی، الیکا عبدالرزاقی، بهاره کیان افشار، سعید چنگیزیان، شبنم مقدمی، حمید ابراهیمی و نگاه حسن زاده از دیگر بازیگران «گاهی به پشت سر نگاه کن» خواهند بود.

این سـریال برای پخش از شـبکه ۲ سـاخته می شـود و از دیگـر عوامل آن می تـوان به مریم هژیرونـد برنامه ریز و دسـتیار اول کارگردان، افشـین هاشـمی انتخاب بازیگر، نـدا قائدی منشـی صحنه، فریبرز سـیگارودی مدیر تصویربـرداری، کوروش سـیگارودی تصویربردار، محمدرضا موئینی تدوینگر، رامین آشوری طراح صحنه، اردوان همایون فر مدیر صحنه، مرجان گلزار طراح لباس، مهدیه اعرابی طراح گریم، نوید میرالی مجری گریم، مهشاد مظفری مجری گریم، ساسـان نخعـی صدابردار، منصور غضنفری مدیر تولید و سید جواد لاجوردی مدیر تدارکات اشاره کرد.

تلویزیون

زهرا عاملی در گفت‌گو با صبا:

دوست دارم مجری برنامه‌ای باشم که سوادش را داشته باشم

زهرا عاملی ترانه‌سرا و مجری تلویزیون که یکشنبه شب‌ها تیتراژ برنامه «بعضیا» با صدای روزبه نعمت‌الهی و با ترانه‌ای از او شنیده می‌شود، در گفتگو با صبا اعلام کرد که دیگر سردبیر برنامه «ساعت ۲۵» نیست. صبا چندی پیش به بهانه سردبیری عاملی در این برنامه موسیقی گفت‌گویی با او انجام داده که منتشـر شـد، اما این روزها خانم ترانه‌سرای جوان، دیگر این مسئولیت را بر عهده ندارد. زهرا عاملی در این‌باره می گوید: دلیل نماندن من در برنامه «ساعت ۲۵» به این دلیل بود که با تهیه کننده به توافق نرسیدیم. البته خوشحالم که در همان مدت کوتاه هم با این برنامه همکاری داشتم و از آقای محمودی نیز تشـکر می کنـم اما به دلیل اختلاف نظرهایی که ما با هم داشـتیم و نتوانستیم با هم به توافق برسـیم من از این برنامه بیرون آمدم.

این ترانه‌سرا درباره ادامه فعالیت‌هایش در تلویزیون به عنوان مجری به صبا می گوید: به دلیل مشکلاتی که وجود دارد، هنوز نتوانسته‌ام به تلویزیون برگردم، اما امیدوارم و از صمیم قلب دوسـت دارم این اتفاق هر چه زودتر بیفتـد و باز هم برنامه‌اجرا کنم. عاملی همچنیـن تصریح کرد: بـا روی کار آمدن مدیریت جدید و تغییراتی که در بخش‌های مختلف سازمان صدا و سیما اتفاق افتاده، می‌دانم که مدیرانی کار بلد روی کار آمده‌انـد. او افزود: برای من جای امیدواری دارد که دوسـتان جدیدی مدیریت‌هـا را بر عهده گرفته‌اند که می‌دانـم با علـم و مؤمن‌های واقعی هستند. همه چیز بسـتگی به خواست خداوند دارد و بازگشـت من به تلویزیون نیز همین‌طور اسـت. اگر خدا بخواهد و شـرایط فراهم شود این اتفاق در آینده‌ای نه چندان دور حتمـاً می‌افتد اگر نه که باز هم باید صبر کرد تا ببینیم چه پیش می‌آید. عاملی درباره ژانر برنامه‌هایی که دوست دارد در رسانه ملی اجـرا کند، تصریح کرد: اگر قرار باشـد به تلویزیون بازگردم و دوبـاره اجرا کنم، دوسـت دارم اجرای برنامه‌ای را بر عهده بگیرم که سوادش را داشته باشم. موسیقی، شعر و جامعه‌شناسی حوزه‌هایی است که من به آن‌ها آشـنایی دارم و درسش را خوانده‌ام و در این زمینه‌ها تجربه دارم. پس چه بهتر که اگر بخواهم اجرا کنم برنامه‌هایی با این موضوعات باشند. ضمن این که علاقه خودم نیز بیشـتر در این زمینه‌هاست. جدیدترین کار این ترانه‌سرا در عرصه موسیقی ترانه قطعه «آرزو کردم» با صدای سیاوش وزیری است که به تازگی منتشر شـده است. زهرا عاملی در این‌باره نیز می گوید: «من خـودم این قطعه را بسیار دوسـت دارم، چون خودم هم متولد ماه آذر هسـتم و این ماه و ایـن ترانه را خیلی دوست دارم.»

گفتنی اسـت؛ چاپ دوم کتاب این ترانه‌سرا با عنوان «دوازده» به تازگی وارد بازار نشـر شده و انتشـارات شانی ایـن کتاب را منتشـر کـرده اسـت. پیش از این مجموعه «اگه پـای من جـاده رو برنگشـت» از ترانه‌هـای عاملـی به چاپ رسـیده و این کتاب، تعدادی از ترانه‌های دیگر این ترانه‌سرا را شامل می‌شود.

زهرا عاملی

گزارش صبا از پشت صحنه برنامه تلویزیونی «یک فنجان چای»

صرف چای برای گرفتن پاسخ‌های متفاوت!

رکسانا قهقرایی

تهیه و تولید برنامه‌های گفتگومحور تلویزیونی را باید به مثابـه راه رفتن و حرکت کردن روی لبه تیغ دانست. چراکه این برنامه‌ها از یک سو به واسطه ساختار سـاده و شـرایط تولید آسـان تر از مجموعه‌ها و آثار نمایشی، حجم زیادی از کنداکتور شبکه‌های مختلف را به خود اختصاص می‌دهند و از سویی دیگر به دلیل نداشـتن روایت متکی بر قصه، می‌توانند با یک آسیب عمده هم روبه‌رو باشـند؛ این که جذابیت یا پرکشـش بودنشـان باید وابسـته به مهمان یا کارشناسی باشد که در آن حضور می‌یابد و رو در رو با مخاطبـان نکاتی را مطرح می‌کند. به نظر می‌رسد برنامه تلویزیونی «یک فنجان چای» بـه تهیه کنندگی شاهین جمشیدی که بیش از یک ماه از آغاز پخش آن می‌گذرد، رویکرد مشابهی را در دستور کار خود قرار داده است.

شاهین جمشیدی: معمولاً در فرهنگ و سنت ایرانیان مرسوم است که وقتی می خواهند با کسی گپ و گفتی داشته باشند، او را به نوشیدن «یک فنجان چای» دعوت می کنند. در این برنامه هم ما گفت‌گویی ساده با مهمانان برنامه پیش می‌بریم و با آن‌ها گپی صمیمی با سؤالاتی متفاوت داریم

مروری بر مهمانان حاضـر در برنامه «یک فنجان چـای» باعث می‌شـود تا هـر یک از آنـان را در دسـته‌بندی گروه‌های اجتماعـی مختلف قرار بدهیم، چنانچه عوامل و سازندگان این برنامه نیز پیش از این بر این مهم تأکید داشته‌اند. این برنامه در هدف‌گذاری خود در هر قسمت، میزبان سه مهمان به نمایندگی از جامعه هنرمندان، ورزشـکاران، مخترعان و نخبگان علمـی و افراد موفق در حوزه شغل و نمایندگانی از اصناف گوناگون است. برای تهیه گزارشـی از این برنامه گفت‌گومحور یا بهتر بگوییم مجله‌ای، عصر یکـی از روزهای پاییزی به استودیوی شـماره ۱۴ جام جم سری می‌زنم. این برنامه که چند هفته‌ای اسـت روزهای یکشنبه و سه‌شنبه از ساعت ۱۶:۲۰ از شـبکه سه سیما به صورت زنده پخش می‌شود، دارای دکوری متناسب با نام آن است. شـمایلی از «یک فنجان چای» با رنگ‌مایه‌های تیره و میز و صندلی‌هایی سـاده که مقابل آن قرار گرفته‌اند، تصویر کلی فضایی است که در آن حضور می‌یابم. بعد از عبور از رژی پخش و قرار گرفتن در استودیو، شـاهین جمشیدی را می‌بینم. با او سـلام و علیک می کنم. او به شـدت درگیر کار است و قرار می‌شود در ادامه برنامه با هم درباره اجرایش صحبت کنیم. یک ربع از ساعت ۱۶ می گذرد که با پخش کلیپی از بارگاه ملکوتی امام رضا(ع) به اسـتقبال آغاز برنامه می‌رویم. دوربین برنامه را از زوایای مختلف پوشش می‌دهند. شاهین جمشـیدی مجری برنامه، پلاتوی ابتدایی خود را آغاز می کند و محـور صحبت‌هایش به موفقیت و دلایل آن اختصاص دارد. فهرست مجله این قسمت از برنامه که نام و توضیحاتی درباره سوابق حرفه‌ای مهمانان برنامه اسـت، ورق می‌خورد. به استودیو باز می گردیم. کیوان سـیفی میوه‌فروش ۲۸ ساله اولین مهمان برنامه اسـت. گفت‌گو با او پیرامون تعداد سـاعات کاری، خرید بار، میزان هزینه‌های روزانه در این شغل، دسـتمزد و حتی بسیاری از جزئیات این حرفه ادامه می‌یابد. همچنین پخش کلیپی از حضور او در محیط کاری‌اش نقطه اتصال دو بخش گفتگو با این مهمان است.

پرسش یکسان و پاسخ متفاوت

حامد مرادیان نویسـنده برنامه، نامی آشنا برای رادیویی‌هاسـت و در حال حاضـر تهیه کنندگی برنامه‌هایی همچون «اینجا شـب نیست»، «سه سـتاره» و... را بر عهده دارد. او سؤالات برنامه را با توجه به ویژگی‌های هر مهمان تنظیم می کند و بـا بـه کار بردن بعضـی از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها درباره شغل‌های مطرح شـده در «یک فنجان چـای» رویکرد خاصی را در نگارش متن این برنامه اتخاذ کرده‌است. مرادیان با تأکید بر این که سیر پرسش در این برنامه، از نظم خاصی پیروی می کند، می‌گوید: من معمـولاً برای هر مهمان، ۲۰ سؤال در نظر می‌گیرم که ۱۰ مورد آن را خط می‌زنم و ۱۰ مورد دیگر در برنامه مطرح می‌شود. سـؤالات در بخـش اول گفت‌وگـو - کـه قبـل از پخـش کلیـپ معرفـی مهمان شـکل می‌گیرد - معمولاً ساده‌تر اسـت و به خود شخص مربوط می‌شـود. اما عمده سؤالات طنز یا چالش‌برانگیز، بـه بخش دوم صحبت‌های مجری با مهمان مربوط می‌شـود. چرا که به اصطلاح، یخ مهمان آب شده و احساس راحتی بیشتری از حضور در برنامه دارد و وقتی با او شـوخی می‌شود، حالت تدافعی به خود نمی‌گیرد. از او درباره علت استفاده از سـؤالات ثابت در برنامه می‌پرسم که می‌گوید: علت استفاده از سؤالات ثابت در این برنامه به دلیل پاسخ‌های متفاوتی اسـت که می‌توان از مهمانان دریافت کرد. بـرای مثال وقتـی از مهمان نخبه پرسیده می‌شود چرا موفق شدی؟ معمولاً پاسخ‌های هر یک به یک دلیل خاص برمی‌گردد.

روزهای پر کار یک بازیگر

مدتی از زمان برنامه می گـذرد و گفتگو با مهران رنجبر بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون آغاز می‌شود. وی که به تازگی نمایشـی «ریچارد سوم» را روی صحنه داشته و سال گذشـته نیز با نقش کیانوش در سریال «آوای باران» از شبکه سه سیما میزبان نگاه‌های مخاطبان بود، به فعالیت‌های اخیر خود اشـاره می‌کند و پس از پخش تصاویـری از بازی او در سـریال‌های مختلف، بازیگـری را این گونه تعریف می‌کند: «راه در این حرفه دراز است و باید چهل سـالگی را طی کرد تا بتوان گفت شغل من بازیگری است! بازیگری جریان زندگی است با همه ویژگی‌های علمی و احساسی خاص خودش. چهل سالگی نیز سن تعقل است. بنابراین وقتی فرد به این سن می‌رسد، اندیشـه و تعقل در بازی به کمکش می‌آید و بهتر می‌تواند تجربه‌های خود را بعد از این سن در بازیگری به کار بگیرد.» او در ادامه به علاقه و الگوگیری‌اش از بازیگری فرامرز قریبیان می گوید و دربـاره فعالیت‌های تازه‌اش بـا مجری برنامه به صحبت می‌پردازد.

دعوت از یکدیگر با «یک فنجان چای»

در برنامه‌هـای گفتگومحـور، مجـری یک برند محسوب می‌شود. چنانچه خود او شناخته‌شدنش از سوی بیننده، در کنار آشنایی آن‌ها با سبک ویژه مجری در اجـرا و قضاوت بر اسـاس تجربه‌های پیشـین، می‌تواند مخاطب را پیش از آغاز پخش برنامـه برای تماشـا ترغیب کند یـا حداقل پس از گذشـت تعدادی از قسـمت‌ها، به ایجاد فضای ذهنی مثبت نسـبت به ویژگی‌های کمی و کیفی برنامـه دامن بزند. پـس از پایان برنامه به سـراغ جمشیدی می‌روم. او با اشاره به تفاوت‌های اصلی این برنامه با سایر برنامه‌های گفتگومحور می‌گوید: «امروزه بسیاری از برنامه‌های تلویزیونی بازیگران یا ورزشـکارانی را دعوت می کننـد و یک مجری مقابل آن‌ها در مدت زمانی نسبتاً طولانی به گفتگو می‌نشیند و معمولاً در این میان، یکسری سؤالات تکراری هم پرسیده می‌شـود، اما در «یک فنجان چای»، آن بازیگر یا ورزشکار صرفاً به دلیل شناخته شده بودن و شهرت خود به برنامه دعوت نمی‌شود.» او نام برنامه را نیز در خدمت رویکرد و محتوای آن می‌داند و ادامه می‌دهد: «معمولاً در فرهنگ و سنت ایرانیان مرسوم است که وقتی می‌خواهند با کسی گپ و گفتی داشته باشـند، او را به نوشیدن «یک فنجان چای» دعوت می کنند. در این برنامه هم ما گفتگویی ساده را با مهمانان برنامه پیش می‌بریم و با آن‌ها گپی صمیمی با سؤالاتی متفاوت داریم. اگر دقت کنید، گاه بعضی از مهمانان از موضوعی که در برنامه مطرح می‌شود، تعجب می کنند. همچنین سعی می کنیم تا به ویژه درباره بخش مشاغل و بخش علمی برنامه، آن حرفه یا تکنولوژی و دستاورد را به طور کامل معرفی کنیم. به طور کلی این برنامه به ترویج روحیه کار و تلاش و پشتکار توجه ویژه دارد. ضمن این که از عنصر سرگرمی و شاد بودن فضای آن برای بیننده هم غافل نیسـت.» مجری برنامه «گلخانه» با اشاره به ترتیب بخش‌های گفت‌گویی در این برنامه و علت آن می‌افزاید: «در این برنامه ابتدا صحبت با نماینده‌ای از یک شـغل شروع می‌شود. این مهمان، جوان است. کارش را دوست دارد و در حرفه‌اش موفق است. تعریف ما از موفقیت هم الزاماً برگزیده شدن در یک رقابت و مسابقه علمی نیست. بلکه مسئولیت‌پذیری و دعوت از مهمانانی برایمان اهمیت دارد که عاشقانه و با لذت به کار خود ادامه می‌دهند. نوآوری و خلاقیت این افراد در پیشـبرد کارشان هم از دیگر شـاخصه‌های حضورشان در برنامه است.»

آن سوی آنتن

سحر قریشی: می گفتند افغانی هستم!

سـحر قریشی در بخشـی از جدیدترین گفتگوی خود با مجله «زندگی ایرانی» درباره عجیب‌ترین شـایعه‌ای که درباره خودش شـنیده گفته است: «یکی از عجیب‌ترین شـایعه‌ها درباره من، بعد از پخش سـریال «دلنوازان» مطرح شـد و در آن مقطع این شایعه پیچید که من افغانی هستم! جالب این جاست که در صفحه شخصی‌ام کسانی هسـتند که خاطراتی از دوران حضور من در کابل تعریف می‌کننـد، در صورتی که چنین چیزی نیسـت و اگر هم بود بـه آن افتخار می‌کردم و هیچ مشـکلی نداشـتم که بخواهم پنهانش کنم. اگر پف زیر چشـمم را عمل نکردم؛ عاشـق این پف هستم و دوستش دارم. اگر هم شـبیه افغانی‌ها هستم و کسی از چهره من خوشـش نمی‌آید که ببخشـید؛ من عذرخواهی می کنم، چون واقعاً مهم نیست... من از طرف پدری تهرانی و از طرف مادری ترک تبریز هسـتم. حتی عکس مادرم را در صفحه شخصی‌ام گذاشته‌ام که مردم را از اشـتباه بیرون بیاورم... در همان مقطع هم گفتند پس پدرش افغانی است. بعد هم که عکس پدرم را گذاشتم. از آن‌جایی که پدرم هم خارج از ایران زندگی می کند عکسـی از پدر و عمویم گذاشتم که مربوط به خارج از کشور بود. فحش‌ها شـروع شـد که خانواده‌اش خارج از ایران زندگی می کنند و... مگر پول شما را خورده که خارج از ایران زندگی می کند. حتی یک بار عکسی از دوران مدرسه‌ام گذاشتم با لباسی که در آن دوره همه داشتند. نوشتند: دیدید؛ لباس افغانی پوشیده اسـت. فکر می کنم این موج خیلی هدفمند و عمدی راه افتاد.»

پیشنهاد تلویزیونی

نوجوانان «یه عصر طلایی» را ببینند

با وجود این که شبکه دو سیما به عنوان رسانه کودکان و نوجوانان شناخته شده و برنامه‌های این گروه سنی را پخش می کند، اما دیگر شبکه‌ها نیز ساعاتی از جدول پخشـشـان را به برنامه‌های این گروه سنی اختصاص داده‌اند. برنامه «یه عصر طلایی» کاری از گروه کودک و نوجوان شـبکه تهران است که برای نوجوانان ساخته شده است. این برنامه در فضایی دوستانه به مسائل مرتبط به این قشر خاص از جمله برقراری ارتباط با والدین، دوستیابی، انتخاب مسیر زندگی، اوقات فراغت، توانایی نه گفتن به برخی درخواسـت‌ها، مدهای پوششی و رفتاری، نوجوانان کار، نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست، تأثیر صداقت و دروغ بر زندگی، اسـتقلال‌طلبی نوجوان، شـناخت مهارت‌ها، چند و چون ورود به اجتماع، فضای مجازی و البته تأثیر اعتقادات بر شکل‌گیری زندگی درست و... می‌پردازد. «یه عصر طلایی» شـامل بخش‌های گوناگونی از جمله نیمکت طلایی، یه آدم طلایی، گپ و گفت طلایی، یه دلنوشـته طلایی و یه پیشنهاد طلایی است که بخش‌های مختلف آن فرصتی برای صحبت کردن نوجوانان و برقراری یک ارتباط صمیمانه بهتر از قبل با خانواده به خصوص پدر و مادر است. این برنامه به تهیه کنندگی مجتبی احمدی با محوریت دغدغه‌های نوجوان ایرانی روزهای زوج ساعت ۱۵ با اجرای میثم بیدقی، سینا راستگو، محیا اسناوندی و زهرا بهروزمنش پخش می‌شود.

خاطرات کاغذی

یونیکو

مریم فلاح: یک کره اسب سفید با بال های قرمز که مهم‌ترین ویژگی اش شاخش بود؛ یک شاخ سفید کوچولو که درست در وسط پیشانی اش بود با نیروی آن می توانست موجودات اطرافش را خوشحال کند. همین موضوع باعث خشم و حسادت خدایان سرزمین افسانه ای این کارتون شد و او را به سرزمین فراموشی تبعید کردند. این ماموریت به باد غرب واگذار شد اما باد غرب که دل رئوفی داشت، نتوانست تحمل کند که موجود بی گناهی مثل یونیکوبی دلیل تنبیه شود. پس یونیکو را مدام از سرزمینی به سرزمین دیگر می برد تا از عاقبتی که خدایان برایش مقدر کرده اند در امان بماند. یک باد بدجنس هم بود به اسم باد شب که مامور شد وظیفه باد غرب را به انجام برساند. یکی از کسانی که توسط یونیکو به آرزویش رسید، بچه سگ آبی بود با دمی به شکل فلش. یونیکو شاخش را به او داد تا بتواند بر همه چیز پیروز شود. گربه ای هم بود به اسم چائو که به خواست خودش یونیکو را تبدیل به دختری زیبا کرد. پیام شخصیت های این کارتون ،برتری خیر بر شر و جاودانه نبودن ظلم و تباهی در دنیا بود.